

مسجد و تأثیرگذاری بر هویت اسلامی بافت اطراف

نمونه موردی مسجد جامع اصفهان

مریم یاری نژاد

دانشجوی کارشناسی ارشد دانشگاه آزاد اسلامی واحد خرم آباد

anisyari1391@gmail.com

چکیده:

همواره در طول تاریخ بناهای شاخص در هر شهر و منطقه‌ای موجب تغییر در محدوده خود شده‌اند، خواه این بنا یک بنای مذهبی باشد و خواه غیرمذهبی؛ اما تأثیر بناهای مذهبی بر اطراف خود را به صورت واضح‌تر می‌توان ملاحظه کرد. مسجد جامع اصفهان از جمله بناهایی است که بافت اطراف خود را تحت تأثیر قرار داده است. مسجد جامع‌ها در حوزه سیاسی و اجتماعی در دل شهرها و بافت‌ها نقش قوی دارند. در گذشته مساجد اغلب به عنوان مرکزی مذهبی، عمومی و فرهنگی نقش آفرینی می‌کرده‌اند. با توجه به این فعالیت‌ها؛ محیط اطراف مسجد جامع‌ها تحت تأثیر ماهیت مسجد جامع قرار می‌گرفته‌اند. بنای مسجد جامع اصفهان از نظر حس مکان، سادگی، رنگ، خط آسمان و موارد دیگر بر محیط اطراف خود تأثیرگذار است. مقاله پیش رو به روش تحلیلی- توصیفی نگارش شده است. ابزار گردآوری اطلاعات در این تحقیق به صورت اسناد کتابخانه‌ای، مشاهده و مصاحبه با ساکنان محدوده مورد مطالعه است. سؤال اصلی تحقیق عبارت است از: چه میزان مسجد جامع اصفهان بر هویت محدوده اطراف خود تأثیرگذار است؟

کلمات کلیدی: بافت، تأثیرگذاری، مسجد جامع، معماری، هویت اسلامی



مقدمه

مساجد در منظر مسلمانان از جایگاه والایی برخوردارند و به همین علت است که قلب شهرهای اسلامی و مهم‌ترین و بهترین مکان‌ها برای مساجد فراهم می‌شود. دین اسلام با ورود به ایران روح اسلامی را در کالبد بنای ایرانی دمید. مکتب و اندیشه اسلامی حامل پیام بندگی در محضر خالق هستی بوده و از این رو طرح مایه کمال‌گرایی را در هنر عبودیت می‌توان جستجو کرد و هنرمند مسلمان اندیشه خویش را برای بیان این حقیقت به‌کار برده است. عناصر معماری اسلامی شامل؛ گنبد، محراب، گلدسته‌ها و... هر کدام پیامی را به مخاطب القا می‌نماید و علاوه بر زیباسازی صوری فضا در بالا بردن کیفیت فضای روحانی عبادت، نقش مؤثری ایفا می‌کند. این‌ها همه رمزهایی هستند که در مقام دیداری خداوند قرار گرفته‌اند و از مرتبه خویش نزول کرده تا معنای متعالی را بیان نمایند (جلیلی و همکاران، ۱۳۹۰: ۲).

یکی از آشکارترین وجوه هویتی جامعه و شهر اسلامی مسجد است که هم از جنبه هویت ظاهری و هم از بعد هویت معنوی، ایفای نقشی بنیادین را عهده‌دار است. در این میان مساجد محله‌ای نقشی تعیین‌کننده و محوری در محلات مسکونی دارند. همان‌طور که در غرب و در «واحد همسایگی پری» مدرسه مرکز و عامل تعیین‌کننده ابعاد یک بخش مسکونی به شمار می‌آید در یک شهر اسلامی باید به مسجد به‌عنوان عامل تعیین‌کننده و مرکزی فرهنگی و مذهبی در بخش مسکونی اشاره کرد و دیگر امکانات رفاهی همچون آموزشی، بهداشتی، خدماتی و تجاری می‌توانند در کنار هسته اصلی محلات برای رفاه ساکنین محله برنامه‌ریزی و طراحی شوند (پور جعفر، ۱۳۷۶) مسجد جامع اصفهان به خاطر موقعیت بسیار ممتاز در رابطه با دیگر مراکز مهم اقتصادی - اجتماعی شهر و همچنین در رابطه با دسترسی‌ها به محلات مسکونی دارای ورودی‌های مختلفی است که هر کدام به یکی از راسته‌ها و کوچه‌های محلات اطراف باز می‌شود. در این مقاله به دنبال بررسی میزان تأثیرگذاری بنای مسجد جامع اصفهان بر اطراف این بنا از حیث هویت اسلامی هستیم.

روش‌شناسی

روش تحقیق مورد استفاده در این پژوهش توصیفی - تحلیلی است؛ روش جمع‌آوری داده‌ها مبتنی بر مطالعات کتابخانه‌ای و اسنادی می‌باشد. جمع‌آوری داده‌ها بر اساس روش اسنادی و مطالعه اسناد تاریخی و بررسی فعالیت‌های صورت گرفته در محدوده مدنظر است. دیگر تکنیک جمع‌آوری داده‌ها مشاهده و مصاحبه با کسبه و ساکنین محدوده مورد مطالعه می‌باشد.

مبانی نظری

در تمدن اسلامی، بر اساس سنت سعی شده است تا هنگامی که تقسیم وظایف و گستردگی امور باعث پیدایش ساختمان‌های مجزایی شود، حداقل با فضا سازی مشابه معماری مسجد، فضای معنوی مسجد به آن مرکز انتقال داده شود. در تمامی شهرهای سنتی چه در ایران و چه در کشورهای عربستان، مصر، سوریه و حتی شمال آفریقا و هند شاهد آنیم که در یک شهر و محله‌ای اسلامی با هویت اسلامی، بعد از مساجد که نماد مرکزی هر شهر یا محله‌ای است، خانه‌ها با همان قوس‌ها و مقرنس‌های معماری مساجد به وجود آمده و همان فضای مساجد را تداعی می‌کنند. در بنای بسیاری از مساجد، هنرهای گوناگونی باهم درآمیخته و زیربنای خاصی به معماری آن‌ها داده است (میرمحمدی، ۱۳۷۵). در شهرها و محلات اسلامی، مساجد و فضاهای وابسته به آن همراه دیگر مراکز زیارتی و آموزشی، بعد معنوی و فکری شهرها را به وجود می‌آورند. در شهرهای اسلامی، محلات مسکونی، بازار و سایر مراکز اقتصادی و اجتماعی با پیروی از نظم خاصی حول محور مساجد قرار گرفته‌اند. در واقع مسجد همچون چشمه‌ای باصفا جویبارهای معنوی خود را به سوی محلات و اماکن جاری ساخته و نوعی فرهنگ پویای دینی را تبلیغ می‌نماید. فضاهای شهری، خانه‌ها و محلات از ارزش‌هایی تأثیر پذیرفته‌اند که در مسجد بر آن‌ها تأکید شده است. خانه شخصی، فضای داخلی بسته‌ای است که ضمن تأمین آرامش و امنیت خانواده، اندرونی اعضای آن به شمار می‌آید. پنجره‌ها کمتر به خانه‌ها مجاور و کوچه‌ها اشراف دارند. البته پنجره‌ها چنان مشبک تهیه گردیده‌اند که افراد داخل منزل بتوانند فضای اطراف و مناظر محله‌ای را نظاره‌گر باشند بدون اینکه خودشان دیده شوند. در شهر اسلامی هر چه از اماکن مذهبی نظیر مساجد فاصله گرفته می‌شود، دایره



گسترده‌تر شده و از فشردگی آن کاسته می‌شود. (بمات، ۱۳۶۹). در شهرها و محلات ایران، مساجد به همراه زیارتگاه‌ها و تکایا، چنان در چشم‌اندازهای فرهنگی مؤثر واقع می‌شوند که در غالب آن‌ها تنها ساختمان مرتفع شهری این اماکن هستند. همچنین در بافت‌های شهری و محله‌ای نقش مسجد آن قدر تعیین‌کننده و حساس است که گاهی مسیر اصلی خیابان را از ادامه و تعویض بازمی‌دارد، در اطراف مسجد به پاره‌ای از مشاغل اجازه فعالیت نمی‌دهند و در عین حال برخی حرفه‌ها را به شدت جذب می‌کند (شکویی، ۱۳۵۴: ۴۰۵). شهر یا محله‌ای که با محوری مقدس احداث گردیده و سازندگان آن پی گیر تحقق معماری مذهبی بوده‌اند جامعه‌ای را به یاد می‌آورد که باید منسجم، صمیمی و متحد باشد. در این صورت تمامی ساختار شهر یا محله، یک‌خانه را تشکیل می‌دهند. از این جهت برای نشان دادن جامعه شهری (بیت الاسلام) مطرح گردید و در حقیقت بعد انسانی و معنوی بر فضاهای فیزیکی و کالبدی تفوق می‌یابد. همبستگی مذهبی و پیوندهایی که در مسجد محله استحکام و استمرار می‌یابد مرزبندی‌های اقتصادی و طبقاتی را به تحلیل برده و گروه‌های غنی در کنار اقشار کم‌درآمد، در نهایت صلح و صفا زندگی می‌کنند. فضاهای مسکونی نیز در قرار گرفتن کنار یکدیگر این انسجام و معیارهای ارزشی را رعایت می‌نمایند؛ زیرا می‌کوشند تا در ساختن خانه، همسایه‌های خویش را از نور و نسیم هوا و فضای باز محروم نساخته و زمینه‌های نگاه توأم با گناه را در ساخت‌وسازها فراهم ننمایند (بمات، ۱۳۶۹) در گذشته مدارس علمی و حوزه‌ی علمیه در کنار مساجد و در صحن و حیاط مساجد ساخته می‌شدند. بسیاری از مراکز درمانی و آموزشی با مساجد و در کنار مساجد بودند به نحوی که اگر به گذشته بازگشته و معماری اصیل برگرفته از آموزه‌های دینی خود را بررسی نماییم خواهیم دید که مساجد به واقع، محور اصلی معماری شهری و محله‌ای است و در حقیقت معماری ما معماری مسجد محور تلقی می‌شود. کلیدی‌ترین ساختمان‌ها پیرامون مساجد ساخته شده و محل ساخت مساجد دریکی از بهترین نقاط آبادی، شهر و محلات تعیین می‌گردید. به طور کلی می‌توان گفت که در گذشته محوریت به تمام معنای معماری ما با مساجد بوده است و این در حالی است که در حال حاضر فهم این مطلب کمی دشوار شده و عادت کرده‌ایم که مساجد را مستقل و جدا از بافت شهری و بدون در نظر گرفتن تأثیرگذاری معماری آن بر بافت شهری و محله‌ای تعریف کنیم. (اصغریان جدی، ۱۳۷۷). چنانچه ویژگی کالبدی شهر اسلامی و کارکرد عناصر آن را تبلور بصری ماهیت اسلامی آن دانست آن وقت لزوم توجه به نقش و کارکرد عناصر کالبدی برای برجسته‌تر شدن آن هویت، بیش از پیش ضرورت می‌یابد. در صورت بی‌توجهی به آن‌ها، هویت اسلامی و تاریخی آن‌ها کم‌کم رنگ می‌بازند و عناصری جانشین می‌شوند که رنگ و بوی بومی ندارند و کارکردهای قبلی خود را از دست می‌دهند. نمونه بارز چنین تحولی را می‌توان در تغییر در میزان تأثیرگذاری نقش مسجد در ایفای نقش هویت شهر اسلامی دانست. مساجد جامع تا گذشته‌ای نه‌چندان دور نقش مرکزی داشته‌اند و این نقش کانونی، همواره منشأ تحركات اجتماعی، سیاسی و اقتصادی در اسلام و نیز روابط نزدیک دانشمندان با طبقه متوسط شهری بوده‌اند (شکویی، ۱۳۸۳: ۱۸۵) همچنین میدان‌ها نیز از قربانیان مدرنیته‌اند به گونه‌ای که جای خود را به فلکه‌ها داده‌اند و هرگز توان کارکردی میدان را ندارند بلکه باعث تقلیل اهمیت یک میدان مهم قدیمی به تقاطع بی‌اهمیت چند خیابان امروزی شده است (ابراهیمی، ۱۳۸۸، ۱۱۹ و نژاد ستاری، ۱۳۹۰). با توجه به اینکه هویت را باید در غیریت جستجو کرد می‌توان چنین گفت که هویت اسلامی باید دارای غیریت با سایر موارد باشد. این غیریت را در معماری و شهرسازی می‌توان در تفاوت المان‌ها و نشانه‌ها و ویژگی‌های فرمی دانست. در معماری اسلامی شاهد نشانه‌هایی هستیم که با دیدن آن‌ها به اسلامی بودن آن معماری پی می‌بریم. این وجه تمایز در معماری را می‌توان هویت معماری اسلامی دانست. برای پی بردن به هویت اسلامی نیز باید به دنبال مواردی باشیم که تحت تأثیر اسلام هستند؛ به عنوان مثال ویژگی‌هایی که فقط در اسلام می‌توان آن‌ها را یافت. در محیط اطراف مسجد جامع اصفهان می‌توان تأثیر بنای مسجد را بر اطراف آن دید.

پیشینه پژوهش

مسجد جامع یا مسجد جمعه (آدینه) که مسجد جامع عتیق نیز نامیده می‌شود، یکی از کهن‌ترین و مهم‌ترین بناهای شهر اصفهان است که با گستره‌ای برابر با ۲۳۰۰ مترمربع، بزرگ‌ترین مسجد ایران به شمار می‌رود (بمانیان و امینی، ۱۳۹۰: ۲۰). این مسجد مجموعه تاریخی وسیعی را به ابعاد ۱۷۰ در ۱۴۰ متر در شمال شرقی اصفهان و کنار میدان کهنه نشان می‌دهد و امروز شامل قسمت‌های مختلفی است از قبیل گنبد نظام الملک، گنبد تاج الملک، حیاط چهار ایوانی و شبستان‌های گرد آن، مدرسه



مظفری، محراب الجایتو که هر یک نمایانگر سیر هنر معماری اسلامی در دوره‌ای خاص هستند. هویت بیانگر ویژگی‌های هر فرد یا پدیده‌ای است (بمانیان و همکاران، ۱۳۸۹: ۴۰)؛ و حاصل احساسات ذهنی از وجود هرروزه او و ارتباطات گسترده اجتماعی است که نیازمند مکانی برای شکل‌گیری است (پور جعفر و همکاران، ۱۳۹۰: ۱۲) چنانکه از دیدگاه اسلام، سرچشمه و پدیدآورنده همه هویت‌ها و چیزها، او است. این تنها خداوند است که هر چیزی را می‌آفریند و اوست که ماهیات را هستی می‌بخشد (نقره‌کار و هم کاران، ۱۳۸۷: ۸۷؛ طرفداری، ۱۳۸۵). هر کالبدی از نظم فیزیکی، نظم بصری، آسایش فیزیکی و تعادل برخوردار است (بحرینی و همکاران، ۱۳۸۰). از این رو هویت کالبدی به معنای صفات و خصوصیات است که جسم شهر را از غیر متمایز کرده و شباهتش را با خودی آشکار می‌کند. برای ارزیابی آن معیارهایی در نظر گرفته شده است که عبارت‌اند از تمایز/تشابه، تداوم/تحول و وحدت/کثرت (میر مقتدایی، ۱۳۸۳: ۳۷). هویت شهر اسلامی و تحولات آن نیز از قاعده فوق مستثنا نیستند. زمانی که تمدن باستانی ما به تمدن اسلامی تبدیل شد احتمالاً با همین روش تبدیل شده، یعنی زمینه‌ای داشتیم، آن زمینه را پذیرفتیم و آرمان را بر آن سوار کردیم (تقوایی، ۱۳۸۸: ۲۹-۲۸)

پس از گرویدن مردم ایران به آئین اسلام طبعاً ایجاد عبادتگاه‌های اسلامی برای انجام وظایف دینی ضرورت پیدا کرد (قدیانی، ۱۳۷۹: ۱۹۳). بدین ترتیب، عمده‌ترین نقطه کانونی در هر شهر سنتی اسلامی مساجد بودند (Taheri, ۱۹۸۰: ۳۰).

مطالعات و یافته‌ها

مساجد در توسعه کالبدی و ساختاری محلات شهری اغلب به‌عنوان مراکز عمومی، فرهنگی و مذهبی به شکل یک مجتمع برخوردار از کلیه امکانات فرهنگی طراحی شده و به‌عنوان اصلی‌ترین عامل هویت‌بخش به محلات شهری ایفای نقش می‌کردند. هر مرکز محله از عناصری مانند بازارچه، مسجد، حسینیه، آب‌انبار، کارگاه‌ها، زورخانه و میدان چه تشکیل می‌شد؛ اما همواره مسجد و بازارچه عنصر اصلی و مشترک مراکز محلات بوده است (سعیدی رضوانی ۱۳۶۸، نقی زاده ۱۳۷۸) جیکوبز هویت را در رابطه با فعالیت‌ها و زندگی در خیابان‌های شهری از دیدگاه برنامه‌ریزی شهری تعریف می‌کند. وی معتقد است شهر امن‌تر، قابل زندگی‌تر و پرجاذبه‌تر می‌شود چنانچه خیابان‌هایشان به ترکیب پیچیده‌ای از فعالیت‌های مختلف اختصاص داده شوند (Jacobs, ۱۹۶۹: ۸۵). لینچ در کتاب شکل خوب شهر، هویت را به مکانی بسیار ساده تعریف می‌کند. لینچ معتقد است که هویت یعنی حدی که شخص می‌تواند یک مکان را به‌عنوان مکانی متمایز از سایر مکان‌ها مورد شناسایی قرار دهد به‌گونه‌ای که شخصیتی مشخص و منحصربه‌فرد داشته باشد (لینچ، ۱۰۵: ۱۳۷۶) شناخت هویت شهر بایستی بر پایه مؤلفه‌ای تشکیل‌دهنده شخصیت آن فضا شناخته شود. از جمله مؤلفه‌های تشکیل‌دهنده شخصیت یک شهر عبارت‌اند از مؤلفه‌های طبیعی، مصنوع و انسانی که این موارد هر کدام صفات و متغیرهای خاص خود را دارا می‌باشد. در کنار این مؤلفه‌ها، بعضی از نمودها هستند که سبب هویت‌بخشیدن به یک فضای شهری می‌شوند (بهزاد فر، ۱۳۸۶: ۵۶-۵۴).

برای شهر و محیط زندگی انسان نیز همانند هر اثر دیگر، می‌توان هویتی قائل شد که این هویت، ضمن آنکه منبعث از هویت و تفکر انسانی است، مقام آن نیز هست (نقی زاده: ۱۳۷۷) هر فضا به‌رغم موجودیتی خارجی مستقل، در فرآیند ادراک به پدیده‌ای ذهنی تبدیل می‌شود ما در این فرآیند، از این تصویر ادراکی و ذهنیت خود بهره می‌گیریم و فضا را با آن می‌سنجیم. پس تشخیص هویت در واقع نوعی ارزش‌گذاری یا تعیین کیفیت است که بین فضا با اندوخته‌های ذهنی فرد از تجربه‌های مستقیم تا فرهنگ و سنت ارتباط کاملی برقرار می‌کند (کمیلی، ۱۳۸۷) هویت روحانی و معنوی انسان، بارزترین و اصلی‌وجه هویتی انسان از نظر متأهلین است و عامل اصلی تمایز و با همه موجودات عالم هستی است و به دلیل تأثیری که بر انواع دیگر هویت به‌ویژه هویت شخصیت انسان دارد از جایگاه والا و ارجمندی برخوردار است. نکته مهم این است که بین هویت انسان و هویت آثار او ارتباطی وجود دارد که این ارتباط مقام یا تضعیف‌کننده هویت انسان خواهد بود (نقی زاده، ۱۳۸۶: ۳۰۹). در بررسی بافت قدیمی اکثر شهرهای ایران جهت جغرافیایی تمامی ساختمان‌ها خصوصاً ساختمان‌های مسکونی هم‌جهت با مسجد و هم مسیر قبله بوده و عموماً مساجد دارای درب‌های مختلف در سه امتداد غیر قبله می‌باشد به صورتی که دسترسی به این مراکز در هر مسیری امکان‌پذیر باشد از این رو مهم‌ترین نقش مساجد در توسعه فضایی و ساختاری محلات شهری در این است که چون مساجد اغلب



به‌عنوان مراکز عمومی، فرهنگی و مذهبی به شکل یک مجتمع برخوردار از کلیه امکانات فرهنگی اعم از سالن مطالعه، کتابخانه، سالن اجتماعات و صحن و رواق طراحی گردیده‌اند از این رو امکان انجام هرگونه فعالیتی در این مراکز در جهت اشاعه فرهنگی دینی و رفاه حال ساکنین محلات شهری فراهم می‌باشد این امر خود به طراحی محیط سازماندهی شده با کارکردهایی متعدد در نظام محله‌ای منتهی می‌گردد. مسجد جامع به یکی از مشخصات اصلی شهر دوره اسلامی تبدیل می‌گردد. اهمیت این عنصر به حدی است که با برپا شدن مسجد جامع، کانون زیستی پیرامون آن، شهر تلقی می‌گردد. اهمیت این عنصر به حدی است که با برپا شدن مسجد جامع، کانون زیستی پیرامون آن، شهر تلقی می‌گردد. مسجد جامع علاوه بر نقش خود، نقوش سیاسی و اجتماعی بسیار قوی را نیز داراست (حبیبی، ۱۳۸۴: ۴۲-۴۱). در مجاورت مسجد جامع، عنصر بارز دیگری از شهرهای سنتی اسلامی با نام بازار یا سوق دیده می‌شود که بر فعالیت‌های بازرگانی تمرکز داشته است (Taheri, ۱۹۸۰: ۳۴). مسجد مکان محوری‌ترین فعالیت فردی و اجتماعی هر فرد مسلمان محسوب می‌گردد (ملکی، ۱۳۸۱: ۱۱۰). علاوه بر مساجد جامع، مساجد دیگری در محله‌های مختلف مسکونی شهر تأسیس می‌شد تا در خدمت ساکنان این محله‌ها باشند (عبدالستار عثمان، ۱۳۷۶: ۲۲۶). در سطح محلات شهری نقش مسجد جامع را مساجد، تکیه‌ها و حسینیه‌ها بر عهده‌دارند که در ایام سوگواری و اعیاد مسلمین اجتماعات بزرگی در آن‌ها شکل می‌گیرد و بازتاب فضایی آن ایجاد هویتی برای محله می‌باشد (عینی فر، ۱۳۸۰). بازار به دور مسجد و مدرسه می‌چرخد و آن را در برمی‌گیرد و طبق سنت باقیمانده از شهر دوره ساسانی، بازار شهر را درمی‌نوردد و از میدان اصلی شهر - مقر حکومتی - به سوی دیوار و بارو کشیده می‌شود. به همین اعتبار می‌توان از بازار به‌عنوان ستون فقرات شهر دوره اسلامی نام برد (حبیبی، ۱۳۸۴: ۴۸-۴۶).

نتیجه‌گیری

با توجه به مفهوم هویت و تأثیر بناهای شاخص در دوره‌های مختلف بر اطراف خود؛ در اطراف مسجد جامع اصفهان شاهد هستیم که این مسجد بر اطراف خود تأثیرگذار است؛ این تأثیرگذاری موجب شده است که ساختمان‌های اطراف مسجد هویت خود را از مسجد بگیرند زیرا شاخص‌ترین بنای موجود در آن منطقه مسجد است. متفاوت بودن محدوده مورد مطالعه با سایر بافت‌ها نشان از این است که این تفاوت به خاطر وجود مسجد جامع است. از جمله نکات مهم در مورد اطراف مسجد می‌توان به خط آسمان اشاره کرد. اگرچه در اطراف مسجد جامع اصفهان شاهد بازار هستیم اما این بازار به صورت بازارچه‌های بلند طبقه نیست و حتی ساختمان‌های مسکونی اطراف مسجد هیچ‌کدام ارتفاعی نامتناسب با مسجد ندارند. همواره در معماری مناطق اسلامی شاهد بازار در کنار مسجد هستیم که این خود از وجوه هویت اسلامی معماری ایران است. از دیگر تأثیرات مسجد بر هویت اسلامی می‌توان به تحت تأثیر قرار گرفتن میدان امام علی از مسجد جامع است که طرح این میدان به سایر آثار تاریخی اصفهان شباهت دارد.

نکته تأمل‌برانگیز در هویت اسلامی که بنای مسجد جامع از خود ساطع می‌کند رنگ بناهای اطراف است. در بناهای اطراف مسجد جامع اصفهان به‌ندرت از رنگ‌های تند و زنده استفاده شده است و اکثر این بناها رنگی شبیه بنای مسجد جامع دارند.



شکل شماره ۱: رنگ بناهای اطراف مسجد جامع اصفهان. منبع: نگارنده

از نظر اجتماعی نیز بنای مسجد جامع یک بنای تأثیرگذار است و طی مصاحبه‌ای که با ساکنان محدوده مورد مطالعه صورت گرفت به وفور می‌توان شاهد تأثیر این بنا بر محیط اطراف بود به گونه‌ای که بنای مسجد جامع را ابتدا یک بنای معنوی می‌دانستند سپس یک بنای تاریخی.

اطراف بنای مسجد جامع اصفهان در دوره‌های مختلف دست‌خوش تغییراتی شده است که این تغییرات با توجه به تأثیر مسجد بوده است و در طی دهه‌های اخیر نیز ادارات مربوطه اقدام به آزادسازی اطراف بنا کرده‌اند که این خود از تأثیر بناست چراکه فضاسازی‌های اطراف هر بنای تاریخی دارای ضوابطی است.

سادگی موجود در بافت مسکونی اطراف مسجد جامع تحت تأثیر وجود بنای مسجد است که البته بعد تاریخی بودن این بنا از این نظر بسیار مهم است. لازم به ذکر است که ضوابط میراث فرهنگی و شهرداری اجازه ساخت‌وسازهای خارج از قاعده را در این محدوده نمی‌دهد که این خود به دلیل اهمیت وجود این مسجد است.



شکل شماره ۲: سادگی بناهای اطراف مسجد جامع اصفهان. منبع: نگارنده

سادگی در خیابان‌های اطراف مساجد کهن موج می‌زند. معمولاً آپارتمان‌های بزرگ و بلند طبقه در اطراف مساجد نیم بینیم البته در کنار مسجد جامع اصفهان شهرداری این شهر اجازه احداث آپارتمان‌های بزرگ را نمی‌دهد.

حس مکان موجود در اطراف بنای مسجد جامع از نکات مهم و متأثر از بنای مسجد جامع است. با قدم زدن در محدوده مورد مطالعه ادراک ذهنی از محیط به دست می‌آید به صورتی که می‌توان محیط را فهمید و این محدوده را به‌عنوان محیطی با حس و معنای خاص در نظر سپرد.



شکل شماره ۳: حس مکان اطراف مسجد جامع اصفهان منبع: نگارنده

منابع

- ابراهیمی، محمدحسن. ۱۳۸۸. میدان؛ فضاهای تعریف نشده شهرهای ایرانی. نشریه هویت شهر، سال سوم، شماره ۴ تهران، صص ۱۰۷-۱۲۰
- اصغریان جدی، احمد، مبانی نظری مکان‌یابی مساجد در ادوار مختلف، مجله صفا، شماره ۲۶، سال هشتم
- بحرینی، سید حسین و گلناز تاج‌بخش. ۱۳۸۰. مفهوم قلمرو در فضاهای شهری و نقش طراحی شهری خودی در تحقق آن. نشریه هنرهای زیبا، شماره ۶، تهران، صص ۱۸-۳۱
- بمات نجم الدین، شهر اسلامی، ترجمه محمدحسین حلیمی و منیژه اسلامبولی، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، ۱۳۶۹
- بمات نجم الدین، شهر اسلامی، ترجمه محمدحسین حلیمی و منیژه اسلامبولی، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، ۱۳۶۹
- بمانیان، محمدرضا و همکاران. ۱۳۸۹. بازخوانی هویت معنوی و انگاره‌های قدسی در معماری مساجد شیعی. فصلنامه شیعه شناسی، سال هشتم، شماره ۳۰، صص ۳۷-۷۰
- بمانیان، محمدرضا؛ امینی، معصومه. ۱۳۹۰. بررسی شاخص‌های مؤثر در شکل‌گیری تعادل در معماری مسلمانان (نمونه موردی: مسجد جامع اصفهان). فصلنامه علمی- پژوهشی شهر ایرانی اسلامی، شماره پنجم، ص ۲۰.
- بهزاد فر، مصطفی. ۱۳۸۷. هویت شهر (نگاهی به هویت شهر تهران). مرکز مطالعات فرهنگی شهر تهران، موسسه نشر شهر، چاپ دوم، تهران.
- پور جعفر، محمدرضا. ۱۳۷۶. نقش و جایگاه مسجد در برنامه‌ریزی و طراحی محله‌های شهر اسلامی. همایش معماری مسجد، گذشته، حال، آینده، اصفهان.
- پور جعفر، محمدرضا و لیلا سادات هاشمی دمنه. ۱۳۹۰. پدیدارشناسی هویت و مکان در بافتهای تاریخی. فصلنامه مطالعات شهر ایرانی- اسلامی، سال اول، شماره سوم، تهران، صص ۱۱-۲۰
- تقوایی، سید حسین. ۱۳۸۸. طراحی مجموعه آموزشی با رویکرد هویت ایرانی- اسلامی. پایان‌نامه کارشناسی ارشد معماری، پردیس هنرهای زیبا، دانشکده معماری، دانشگاه تهران، تهران.
- جلیلی، تورج؛ میان‌آبی، کیانا؛ بهشتی اصل، یونس. ۱۳۹۰. بررسی میزان تأثیرپذیری عناصر کالبدی مسجد از مفاهیم حکمت و فلسفه.
- حبیبی، سید محسن. ۱۳۸۴. از شار تا شهر: تحلیلی تاریخی از مفهوم شهر و سیمای کالبدی آن تفکر و تأثر، ویرایش دوم، انتشارات دانشگاه تهران، چاپ ششم، تهران.
- حبیبی، سید محسن. ۱۳۸۴. از شار تا شهر: تحلیلی از مفهوم شهر و سیمای کالبدی آن تفکر و تأثر، ویرایش دوم، انتشارات دانشگاه تهران، چاپ ششم، تهران.
- زمرشیدی، حسین، نقش مسجد در معماری ایران
- سعیدی رضوانی، عباس. ۱۳۶۸. بینش اسلامی و پدیده‌های جغرافیایی، بنیاد پژوهش‌های اسلامی، مشهد.

- شکوئی، حسین، جغرافیای شهری، تهران، کتابفروشی تهران، ۱۳۵۴، ص ۴۰۵
- شکوئی، حسین. ۱۳۸۳. دیدگاه‌های نو در جغرافیای شهری، جلد اول، انتشارات سمت، چاپ هفتم، تهران.
- عبدالستار عثمان، محمد. ۱۳۷۶. مدینه اسلامی، ترجمه: علی چراغی، انتشارات امیرکبیر، چاپ اول، تهران.
- عینی فر، علیرضا. ۱۳۸۶. نقش غالب الگوهای عام اولیه در طراحی محله‌های مسکونی معاصر. نشریه هنرهای زیبا، شماره ۳۲، تهران، صص ۵۰-۳۹.
- قدیانی، عباس. ۱۳۷۹. جغرافیای تاریخی ری- رگا، انتشارات آرون، چاپ اول، تهران
- کمیلی، محمد. ۱۳۸۷. شناخت هویت شهری بندرعباس؛ نشریه صفحه، شماره ۴۶
- لینچ، کوین، منوچهر، مزینی. ۱۳۷۲. سیمای شهر، تهران، دانشگاه تهران
- ملکی، سعدی. ۱۳۸۱. هنر و معماری قاجار: مساجد قزوین. کتاب ماه هنر، شماره ۴۵ و ۴۶، صص ۱۱۷-۱۱۰
- میرمحمدی، حمیدرضا. تأثیر فرهنگ اسلامی بر پیدایش و دگرگونی شهرها، فصلنامه مشکوه، شماره ۵۲، پاییز ۱۳۷۵
- میر مقتدایی، مهتا. ۱۳۸۳. معیارهای شناخت و ارزیابی هویت کالبد شهرها، نشریه هنرهای زیبا، شماره ۱۹، تهران، صص ۳۸-۲۹
- نقره‌کار، عبدالحمید. ۱۳۸۷. درآمدی بر هویت اسلامی در معماری، وزارت مسکن و شهرسازی، دفتر معماری و طراحی شهری، شرکت طرح و نشر پیام سیما، تهران
- نقی زاده، محمد. ۱۳۸۶. ادراک زیبایی و هویت شهر در پرتو تفکر اسلامی، سازمان فرهنگی تفریحی شهرداری اصفهان.

Taheri, F. H. (۱۹۸۰), *Urban Elements of Traditional Islamic Cities*, Thesis Supervisor:
Horcio Caminos, Massachusetts Institute of Technology, Dep. Of Architecture,
Massachusetts Institute of Technology.

Jacobs, Jane (۱۹۶۹) “ *The Death and Life of Great American Cities*” New York,
Vintage Rapoport